رقص هند

۴

نگارش روح‌الله خالقی
رئیس هنرستان موسیقی ملی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مکتب کاتاك

این مکتب درشمال هند بوجود آمده و درپنجاب و جیپور واستان‌مرکزی وبعضی ازنواحی ایالت‌بمبئی هم بوسیلهٔ استادانی که این هنررا بزنان آموخته‌اند متداول ورایج شده است. درین‌رقص، توجه اصلی بحرکات پاست که رابطهٔ نزدیك باوزن‌طبله (طبل هندی)دارد. اثر آن‌چنین‌است که گوئی نوازنده‌ای بجای‌دست، طبله‌را باانگشتان پا بصدا درمیآورد. بعوض اینکه رقاص،وزن ثابتی‌را نگاه دارد، انواع حرکات ورزشی‌را خصوصاً بوسیلهٔ کوبیدن کف پا وانگشتان پا بزمین بجا میآورد درحالی که بدن او ثابت و بی‌حرکت است

نظیر همان روشی که در رقص مخصوصی بنام استپ (Step) اروپائی متداولست . گاهی هم دستها حرکات شدیدی دارد مانند حرکات شناگران ومشت‌زنان، ولی این حرکات هرچه باشد معرف بیان حالات واحساسات و مفهوم‌خاصی نمیباشد وحتی ژست‌های معینی که درسایر انواع رقص‌به‌پیروی از وزن‌انجام میگیرد در رقص‌کاتاك حدود معینی دارد . درحقیقت باید گفت که جنبهٔ هنرنمائی و ورزشی آن بیش از لطف وظرافتی است که از رقص انتظار میرود وحتی آنقدر این جنبه غلبه‌دارد که بیننده بجای اینکه مجذوب شود گاهی موجبات خستگی خاطرش فراهم میگردد .

نمونه‌ای از رقص کاتاك

رقص دیگری بنام ناچ (Nâtch) نوعی است از کاتاك که از لحاظ هنری رو بانحطاط رفته استوبوسیلهٔ رقاصه‌ها اجرا میشود وهرچندتکنیك عالی رقص کاتاك را ندارد وموجب تحریك هوای نفس میشود ولی لطف بیشتری دارد . حرکات این‌رقص گاهی زیباوظریف است وموجب حظ خاطر تماشاچی می‌شود ولی فاقد عوامل روحی است که از خواص اساسی هنر عالی بشمار میآید . هنرمندی موسوم به Maud Allen که یك‌بار نمایش رقص «ناچ»را دیده چنین گفته است : «تصور میکردم میتوانم برقصم ولی هنگامیکه خود را با این دختران مقایسه میکنم چنین درمییابم که هیچ نمی‌دانم . »

Charles Doyley که رقص زنی را بروش کاتاك در «لکنو» دیده چنین نوشته است : « رقاصه‌های هند بخوبی از عهدهٔ نگاهداری وضع بدن و حرکات خود برمیآیند . پا زدن آنها تنوع زیاد ندارد . پاهارا همواره بموازات هم ونزدیك یکدیگر نگاه میدارند . یك پا کمی جلو میرود وپای دیگر آنرادنبال میکند ولی اینکار چنان بامهارت و کمال دقت انجام میشود که باضربات آلات موسیقی کاملا موزون است . »

نقص اساسی این رقص اصرار هنرمندان در رعایت تکنیك اختصاصی آنست وطبیعی است که هرچه قواعدفن زیادتر باشد لطف وظرافت‌ازدست میرود . از طرف دیگر پرووش بی‌اندازهٔ وزن درموسیقی هند اثر بسیار درین نوع رقص داشته است . تجسم احساسات وعواطف و بیان حوادث که از خواص‌اساسی‌رقص هند میباشددررقص کاتاك وجود ندارد واگرهم گاهی دیده شود بطریقی خشك وبی روح جلوه می کند که فاقد زیبائیست . علت اینست که‌هنرآموزان این‌رقص که از طبقات پائین اجتماع بوده تربیت‌علمی صحیحی نداشته وامتیاز هنر را برتظاهر و نمایش درك نکرده‌اند . نکتهٔ دیگر اینست که دررقص هند بعضی از حرکات وژست‌ها مخصوص مردان و برخی‌خاص‌زنان است . حرکات مردان معمولا تند وخشن است واداهای‌زنان لطف وظرافت مخصوص این طبقه را دارد ولی در رقص‌کاتاك‌بطوری این ژست‌ها مخلوط‌شده که گاهی موجب خندهٔ تماشاچیان فراهم میشود وقتی می‌بینندمردی‌بالباس باوقار خود درحین رقص، ادای زنانه‌ای‌را تقلیدمیکند

یا ژنی ژست مردی را نشان می‌دهد .

در رقص کاتاك آغاز وانجام بنظر نمیرسد . گاهی مثل اینست که رقص خاتمه یافته است در صورتیکه رقاص مجدداً حرکات و ژست‌های گذشته را تکرار میکند ومدتی طولانی برای هنرنمائی و خودنمائی به پا زدن مشغول میشود که تماشاچی‌را خسته میکند . ازمشاهدهٔ این رقص چنین برمیآید که هنرپیشه درحال حل مسئلهٔ مشکل و بغرنج ریاضی مانند اوزان موسیقی است بنابرین حظ بصرولذت درونی برای بیننده مفهوم واقعی‌خود را از دست داده است . ولی آنچه مسلم است رسیدن بمقام هنرمندی درین نوع رقص کاریست بس مشکل که جز باتمرین و ممارست طولانی بدست نمی‌آید و کسی را هم که باین مقام برسد باید متخصص پا زدن نامید نه هنرمند رقاص .

یکی از نقادان باله موسوم به Arnold Haskell چنین می‌نگارد :

« در تمام هنرها همواره جدالیست بین فن و هنر . تکنیك را میتوان در اثر ممارست بدست آورد ولی ظرافت و زیبائی هنری بآسانی جلوه نمیکند . »

فرض کنیم دوتن بهمراهی آهنگ معینی میرقصند : یکی رقص طبیعی میکند ودیگری باحرکات آکروباسی، خودنمائی مینماید . اولی قصدی جز رقص ندارد درصورتیکه‌دومی میخواهد توجه جماعت را جلب کند زیرواضح است که کار آن‌یکی در تماشاکنندگان اثر روحی بیشتری دارد هرچندکه حرکات این یکی موجب شگفتی است . اینست داستان رقص کاتاك که جنبهٔ تعجب آن برهنر خالص برتری دارد .

باید دانست که رقص کاتاك درآغاز پیدایش چنین نبوده و در اثر نفوذ عوامل خارجی باین صورت درآمده است . کلمهٔ کاتاکا (Kathaka) در مورد داستان‌سرائی بکار میرفته که قصه‌های رزمی را حکایت میکرده و برای اینکه در شنوندگان خود تأثیر بیشتری نماید از حرکات واشارات و ژست‌های مناسب‌هم استفاده میکرده است ولی بعدها این‌حرکات طبیعی‌ساده تغییر شکل داده واین داستان‌سرائی بشکل «پانتومیم» جلوه نموده است و رفته رفته ترقی کرده تا هر دو جنبهٔ رقص یعنی نری‌تیا (رقص خالص) و

آبهینایا (بیان احساسات) را باهم در بر گرفته است ولی از آنجا که رقص کاتاك در شمال هند متداول بوده و آن قسمت بیشتر زیر نفوذ خارجیان قرار گرفته است درین هنرهم تغییرات زیاد راه یافته و مخصوصاً در دربار سلاطین مسلمان شکل دیگری پیدا کرده و بتدریج از صورت اولیه بیرون آمده است ولی در سالهای اخیر نهضتی پیدا شده است که آنرا بمسیر اصلی خود بر گرداند .

از کسانی که موجب ترقی این مکتب شدند بایداز Kalka و Binda در استان لکنو نام برد که برجنبهٔ علمی وفنی آن بسی افزودند و پیروان آنها که مهاراجه Shambhu و Achchan بودند درین کار تشریك مساعی بسیار کردند و بهمین جهت است که اکنون رقص کاتاك یکی از مکتبهای چهارگانهٔ رقص هند را تشکیل میدهد .

سلامی در رقص کاتاك

موسیقی رقص کاتاك ازیك جفت طبله تشکیل می‌شود و ساز دیگری که معمولا سارنگی[1] است . طبله‌هم، دراصل طبل بلندی بوده بنام پخاوج

---

۱ سارنگی سازیست آرشه‌ای از نوع کمانچه

که میگویند بوسیلهٔ مغولان بدونیم شده وبصورت فعلی درآمده‌است . بهر حال طلبه‌ها وزن را نگاه میدارد ونوازندهٔ سارنگی آهنگ‌را اجرامیکند وهنرپیشه همراه بااین موسیقی هنرنمائی می‌نماید .

لباس این رقص زیاد تغییر کرده ولی‌جامهٔ اشراف راجپوت(Rajput) بطوری که درمینیاتورهای قدیمی‌دیده‌میشود برای‌این‌رقص بسیارمناسب‌است. معمولا جامهٔ روشن چین‌داری دربرمی کنند وساق پا را باشلواری چسبان میپوشانندکه از زیر جامه پیداست . این نکته قابل توجه است که ژست مخصوصی بنام «سلامی» در ن رقص متداولست که هم کلمه و هم حالت آن سابقهٔ‌ایرانی‌دارد . برای اجرای این‌ژست، هنرپیشه‌خم می‌شود وبتماشاچیان تعظیم می‌نماید و دست راست را باحالی خاص از کمر بطرف چانه میبرد چنانکه درشکل صفحهٔ قبل ملاحظه می کنید .

این رقص درتمام نقاط دکن مخصوصاً در Kerela متداولست . قبل از دورهٔ جدید هریك از اشراف‌و اغنیا دسته‌ای ازرقاصان وخوانندگان ونوازندگانی که نمایش‌این‌رقص‌را بعهده داشتند در حمایت خود گرفته بودند . درنوامبر ۱۹۳۰ بکوشش‌شاعر بزرگ Vallathol وتنی‌چندازدوستانش‌مؤسسه‌ای در«کرلا» برای تجدید حیات وترقی این مکتب تأسیس شد که ذر پیشرفت این هنر اثر بسیار داشته است.

مکتب کاتاکالی

کاتاکالی را میتوان رقص افسانه‌ای یا داستانی نامید که هنرپیشه باحرکات خود حکایتی را شرح میدهد . اجرای این رقص تمام ساعات‌شب را فرا میگیرد وباین ترتیب بنمایش گذارده می‌شود : برنامهٔ رقص باآواز جمعی آغاز میشود که کلمات‌آن بزبان سانسکریت وگاهی مخلوط با زبان مالایالام (Malayalam) و سانسکریت است . سپس ارکستر شروع بکار میکند وبعد رقص بهمراهی‌آواز جمعی وموسیقی ظاهر میشود . این رقص‌هم روشی خاص درپازدن دارد که Kalasam نامیده می‌شود . رسم چنین است که آغاز موسیقی باغروب‌آفتاب مصادف باشد ورقص باید طوری اجراشود که روی هنرپیشه بطرف جنوب نباشد . موسیقی این رقص را Kali نامند که از ساعت شش عصر تانه شب ادامه دارد . بعد صحنهٔ نمایش‌را باچراغی

بزرگ که بیست سیر هندی روغن بگیرد روشن میکنند . ارکستر از چهار خواننده وچند طبل‌زن تشکیل میشود . طبل‌ها بزرگ و کوچك است که صداهای مختلف دارد . وینا[1] ونی و سازهای دیگرهم بکار میرود . پس ازاینکه

شیوا و پاروانی در رقص کاتاکالی

نوازندگی ارکستر خاتمه یافت پردهٔ صحنه‌را باز میکنند . این پرده بشکل مربع مستطیل یا مربع است وبسبك زیبائی تزئین شده است . درین موقع

۱ - Vina سازمخصوص هنداست که بدوشکل مختلف درشمال وجنوب دیده میشود .

رقاصان نمایان میشوند وهمراه خوانندگان ونوازندگان بهنرنمائی مشغول میشوند. آواز این رقص دارای دوقسمت است که بخشی از آن دعا وبخش دیگر درستایش خدایان است. درین جا هنرپیشهٔ اصلی وارد صحنه میشود وموضوع اساسی رقص را آغاز میکند که آنهم دارای دوقسمت است:

۱ ـ حرکات موزون چشم ۲ ـ حرکات موزون چشم‌ها ودست‌ها و پاها یاحرکات تمام بدن.

پس‌از ورودهنرپیشه،خوانندگان ونوازندگان ارکستر کوشش‌بسیار درهنرنمائی‌می کنند. سپس پرده عوض میشود وقسمت دیگر رقص‌را شروع میکنند که موضوع آن بیان احساسات وحالات است. تفسیر کلمات آواز خوانندگان ونغمه‌های ارکستر بعهدهٔ رقاصان است که باژست‌ها و حرکات اندامی‌از عهدهٔ آن‌بخوبی برمیآیند. بنیان‌این‌رقص به‌پیروزی‌قدس‌وتقوی‌است.

رقاصان نمیخوانند مگر درپایان رقص که آواز دعا میسرایند. در کاتاکالی اصیل، زنان وظیفه ای در رقص ندارند و کار آنها را پسران انجام می‌دهند ولی درین دوره توجهی باین رسم کهن‌نمیشود. اغلب‌اوقات رقاص‌ها صورتشان‌را با«ماسك» میپوشانند یاچهرهٔ خویش‌را رنگ‌آمیزی میکنند وبا این تغییر قیافه بیان احساسات و ابراز عواطف جلوهٔ خودرا از دست میدهد وحال دیگری پیدامی کند.

آمالا همسر اودی شنکر ودوتن دیگر در رقص کاتاکالی

این رقص را میتوان مخلوطی از سه هنر نمایش و رقص وموسیقی دانست . نوعی پانتومیم‌است که‌هنرپیشگان‌تکلم نمی کنند و آوازهم‌نمیخوانند وتنها بوسیلهٔ‌ژست‌وحرکات‌اندامی‌مترجم افکار خود هستند . رقص کاتاکالی دارای یکصد وپنجاه‌نمایشنامه است که دوازده‌تای‌آن شهرت بسزا دارد . سرچشمهٔ این‌رقص‌ازاساطیرهند است وطرزلباس وآرایش نیز ازنمونه‌هائی که از قدیم درآثار تاریخی دیده می‌شود اقتباس شده و بهیچوجه ارتباطی باهنر درام عصر حاضر ندارد .

شیوا ودیو در رقص‌کاتاکالی

رقص کاتاکالی بادست‌های‌خود تیروکمان‌را نشان میدهد

از آنجا که در مکتب‌های کاتاکالی و «بهاراتا ناتیام» که‌هردودرجنوب هندپرورش وتوسعه یافته است حرکات و وژست‌های زیاد بکار میرود، بعضی تصور کرده‌اند که این حرکات در هردور رقص‌یکی است در صورتیکه در هریك روش خاصی دارد که امتیاز یکی را بر دیگری معلوم میکند. شاید بتوان گفت که حرکات رقص کاتاکالی جنبهٔ مردانه دارد درصورتیکه ژست‌های رقص بهاراتاناتیام دارای ظرافت مخصوص‌زنانه است. رقص کاتاکالی گستاخانه و نیرومند و خشن است ولی رقص بهاراتا ناتیام ظریف و لطیف‌میباشد. روش‌ایستادن در اولی باپاهای باز است و زانوها خم میشود و سنگینی بدن روی لبهٔ خارجی پاها قرار دارد اما در دومی پاها بوضعی با سلیقه راست و نزدیك بهم است و کف پا روی زمین قرار میگیرد. دررقص کاتاکالی، حرکت رقاص برروی اضلاع مربع است زیرا چنانکه گفته شد چراغی بزرگ در جلوی او میباشد ولی‌رقاص مکتب بهاراتاناتیام بجلو وعقب حرکت می کند بهمان روشی که سابقاً رقاصه‌های معبد در موقع تقدیم هدیه بخدایان رفتار میکردند.

مکتب‌مانیپوری یکی‌دیگرازمراکز رقص هنری‌هند، استان مانیپور

در رقص کاتاکالی نواختن نی را مجسم میکند

است . در میان مردم آن سامان ، رقص کاری مشغول کننده و جزء مراسم مذهبی بشمار میرود . رمز زیبائی حرکات رقاصهای مانیپور در شوقی است که بطبیب خاطر و بصرافت طبع باین هنر دارند . هرچند این رقص از الهامات روحانی سرچشمه گرفته ولی غالب دسته‌هائی که خودرا با این هنر سرگرم می کنند احساسات و تهییجات خودرا ابرازمیدارند . در تمام جشن‌های مانیپور اعم از مذهبی وغیر آن موجبی برای رقص پیش‌میآید. در شب‌های مهتاب هرموقع از سال که باشد جوانان درحال رقص ازقریه‌ای بقریهٔ دیگر میروند وهمواره بر عدهٔ آنها افزوده میشود . داستان عشق

نمونهٔ رقص راس‌لیلا

رادا کریشناسرچشمهٔ الهام بخش این رقص میباشد . هررقص حکایتی‌راشرح میدهدکه ازهمه‌مهمتر افسانهٔ معروف Ras Lila است . درهرقریه‌معبدیست که درکنارآن تالاری برای رقص ساخته شده است .

درمانیپور چهارنوع رقص وجود دارد که یکی مخصوص‌پسران وبقیه رقص پسران ودوشیزگان است . رقص مانیپور تند است زیرا پاها حرکات سریع طبلی بنام Khol را تقلید میکند . پرش‌ها و نشستن‌های ناگهانی از خواص این رقص میباشدکه بطور طبیعی وباکمال سادگی انجام میپذیرد.

موسیقی‌این‌رقص باسازی اجرا میشودکه شباهت بسیار به‌گیتاردارد.

بعضی اوقات آواز جمعی، رقص را همراهی میکند ولی سرایندگان دررقص شرکت ندارند و گاهی خودرقاصهاهم میخوانند. رقص مانیپورازحرکاتی که دلالت برمقصود معینی داشته باشد خالیست و آزادانه انجام میشود و گاهی نیز رزمی ووحشیانه است.

لباس رادا کریشنا ونوازندگان ارکستر وسرایندگان آواز جمعی و رقاصها چه زن باشد وچه مرد بسیار مجلل وباشکوه است. دامن رقاص با آئینه‌های کوچك وپولك‌های طلائی ونقره‌ای پوشیده شده و انعکاس آن‌در نور چراغ جلوه‌ای مخصوص دارد. «کریشنا» النگوها و طوقهای زیاد بماهیچه‌ها ومچ‌های‌خودمی‌بندد ولی بدنش‌لخت‌است وبازیورهای گوناگون آرایش میبابد.

رقص Ras بهمراهی آوازهائی که اشعار آن از گویندگان مشهور انتخاب شده ساعتها بطول میانجامد و داستانهای گوناگون از زندگانی کریشنارا جلوه گر میسازد.

رقص دیگری بنام Lai Haroba نیز متداولست که‌مفهوم آن‌شادمانی باخدایان‌است‌ودرجلوی‌معبدی بنام Thang - gina برگزار میشودو گرچه رقصی مذهبی است ولی جنبهٔ شوخی وشادی آن برقیود مذهبی برتری‌دارد.

نمونهٔ رقص لای‌هاروبا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این رقص باتقدیم گل و میوه بوسیلهٔ دختران خوش لباس آغاز میشود که راهبه‌ای راهنمای آنهاست . پس از تشریفات مقدماتی ، هیئت هنرپیشگان شروع بهنرنمائی میکند . بهترین رقاصها رهبری هیئت را بعهده میگیرد ورقصی میکند که حکایت جوانکی است فقیر وشجاع که عاشق شاهزاده خانمی شده است . این رقص بانیرومندی وذوق بسیار انجام میگیرد .

مردم قبیلهٔ Naga رقص زیبائی دارند که‌زنها در آن شرکت‌میکنند .

رام‌گوپال رقاص‌هنرمند

نوعی دیگر ازآن‌را که پسران ودختران مبرقصند شکلی زیبا و هنرمندانه

دارد وموسیقی آن بیشتر بنغمات اروپائی شبیه است . رقص مردانهٔ دیگری هم درمانیپور متداولست که کشتن پرنده‌ای از قبیل درنا را بوسیلهٔ کریشنا نشان میدهد . (راجع باین رقص بعداً توضیح بیشتری داده خواهدشد)

از رقصهای دیگر قدیمیتر واز لحاظ درجه‌بندی نیز **مکتب بهاراتاناتیام** والاتر است . بعضی گویند کلمهٔ بهاراتا از کلمهٔ «بها» مشتق از «بهاتا» یا احساسات باطنی و«را» از «راگا» بمعنی نغمه وآهنگ و «تا» مختصر «تالا» بمعنی وزن تشکیل شده است . کتاب «ناتیاشاسترا»متضمن قواعد این‌هرسه هنراست . حرکات

نمونه‌ای از رقص بهاراتاناتیام

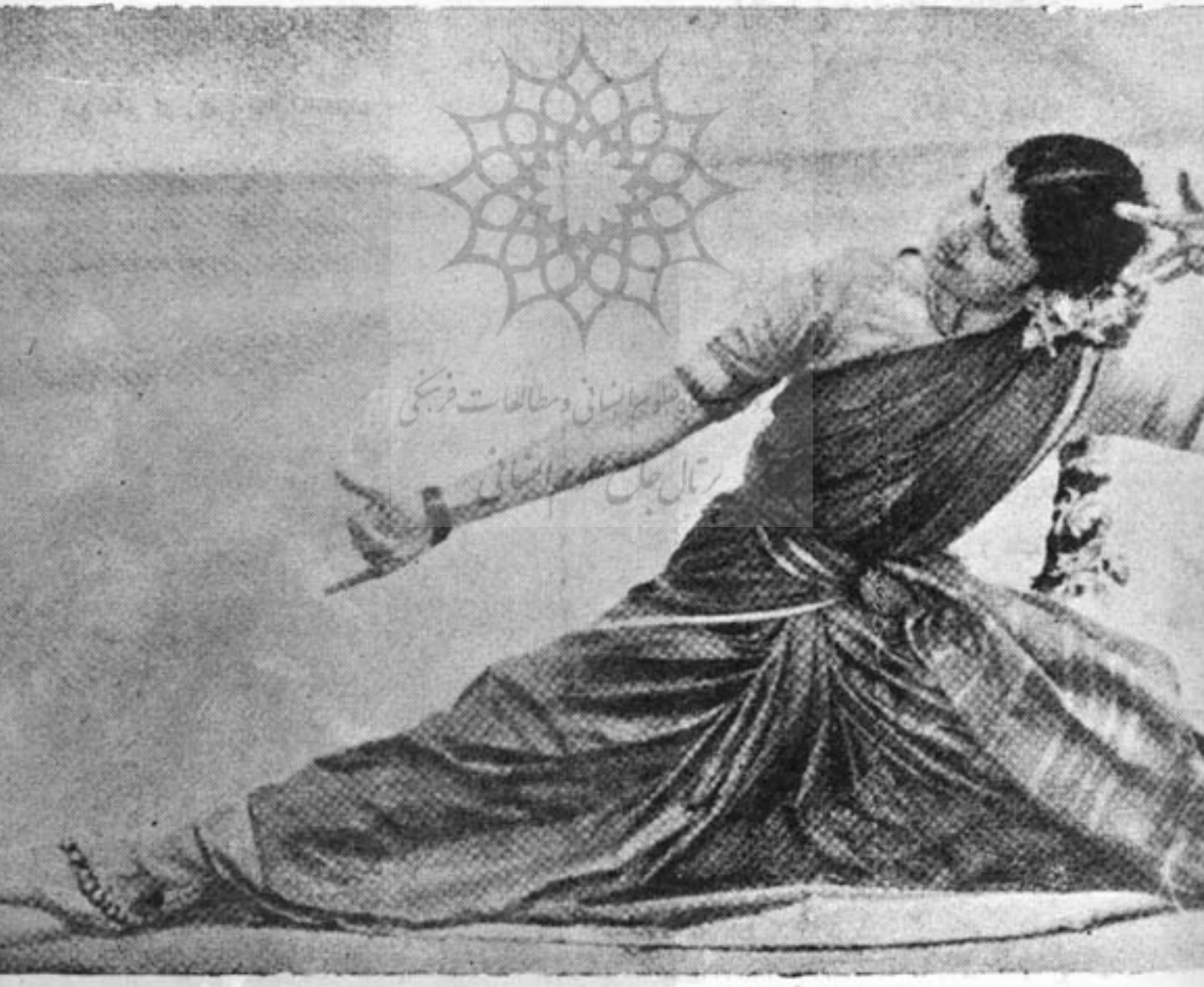

اندامی وژست‌هائی که در کتاب مزبور ذکر شده همه اکنون در این رقص بکار میرود . این رقص مخصوص زن بوده ولی حالا برای مردان‌هم بکار میرود وچون دارای حرکات مشکل واز لحاظ وزن نیز کامل است مردان بهتر از عهدهٔ اجرای آن برمیآیند . نقوش و مجسمه‌های قدیم حالات این رقص را بخوبی نشان میدهد و شاید بتوان گفت که این هنر منبع سایر مکتب‌های رقص هند بوده است . با وجود سوابق ممتد تاریخی در دوران اخیر کسی که موجب ترقی این‌مکتب شده Ram Gopal است که این‌رقص‌را بروی صحنه آورده‌است .

تمام‌عناصری که‌دررقص‌هنداز آن استفاده‌میشود مانند تجسم احساسات وحرکات اندامی درین رقص هم بطور کامل بکار میرود . آوازهای این رقص بزبان«تامیل»Telegu یاسانسکریت‌است حرکات‌دست چشم، ابرو، سر، گردن وپاها در آن‌زیادبکادمیرود . هرچند انواع‌حرکات‌پادرین‌رقص‌بکار میآید ولی‌حرکت‌پا بسبك‌راه رفتن غازوطوطی‌در آن بیشتر متداول‌است .

مهمترین آلت موسیقی این رقص «مریدنگا» و یك جفت سنج است . آواز اصلی را رهبر میخواند و دیگران تکرار میکنند . گاهی‌طنبور هم برای راهنمائی‌خواننده‌ها بکار میرود .

لباس زن ازیك پیراهن تنگ مزین ابریشمی براق تشکیل می‌شود که دامنی بآن

نمونه‌ای از رقص بهاراتاناتیام

متصل است و بقوزك‌پا میرسد و باطلا برودری‌دوزی شده ولی قسمت بالای بدن رقاص مرد لخت است .

رقص دختران معبد درجنوب هند از همین نوع بوده که بتدریج جنبهٔ هنری‌را از دست‌داد . بامشاهدهٔ‌رقص بهاراتاناتیام میتوان از رسوم‌باستانی ملت هندآگاه شد . اجراکنندگان این رقص عالی‌ترین احساسات را در بیننده‌برمیانگیزند . این رقص جلوه‌ایست ازروح بهاراتا . (چون درشماره ۱۷ مجلهٔ موسیقی مقالهٔ دیگری راجع باین رقص چاپ شده است درین جا باختصار برگذار شد .)

این بود مکتب‌های چهارگانهٔ رقص هنری هند . درشمارهٔ آتیه از رقصهای محلی‌هند گفتگوخواهد شد

(دنباله دارد)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی